

تغییر تفکر برای از بین بردن موانع و مشکلات

برای غلبه بر مشکلات، سعی کنید افکارتان را نسبت به مشکلات تغییر دهید



مشکلات و موانع زیادی در زندگی هر شخصی وجود دارد و برای رسیدن به هدف باید از این موانع گذشت. اما چگونگی گذشتن از این موانع مهم است. بعضی ها به راحتی موانع را دور می زنند تا شانس روبرو شدن با آن را از بین ببرند. این اشخاص ترس از شکست دارند و اما دیگران برای غلبه بر ترس از شکست با آن روبرو می شوند. شاید این مورد را درک کرده باشید که چرا در بعضی مواقع نمی توانید یک مشکل را حل کنید و وقتی برای شخص دیگری این مورد را بیان می کنید به راحتی راه حلی برای شما ارائه می دهد.

شما زمانی که درگیر مشکل خود هستید راه حل را نمی بینید ولی اشخاص دیگر به راحتی می توانند راه حل را ببینید و شما را راهنمایی کنند. به خاطر همین است که بیشتر مردم به مشاوران مراجعه می کنند. چون این اشخاص موانع و مشکلات را به صورتی دیگر می بینند و در مورد آنها فکر می کنند. این اشخاص تفکر خود را تغییر می دهند و به مشکلات به گونه ای دیگر می نگرند و در واقع فرصت را به موفقیت تبدیل می کنند.

فرض کنید پدرتان به شما می گوید:

امروز تا عصر باید این ۱۰۰ درخت را آب بدهی و بعد بری خونه. در همان لحظه هم دوست شما میگه: یعنی می خوای این همه درخت رو آب بدی؟ بیخیال شو.

شما هم میگوید: دلیلی نداره که نخوام آب بدم. چون طبیعت و درخت رو دوست دارم.

در اینجا شما به مشکل به گونه ای دیگر فکر کرده اید. دیدن زیبایی در درختان نحوه ی تغییر تفکر شما است و به صورت کلی تبدیل فرصت به موفقیت است.

البته این یک مثال است ولی در کل بیشتر مردم از همین فرصت ها برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند.

تغییر تفکر



این جمله را شاید زیاد شنیده باشید: " کلام تو همان عصای معجزه آسای توست ".

نحوه ی تفکر ما، نحوه ی بیان ما و نحوه ی صحبت کردن ما می تواند خوشبختی، ثروت، بدبختی، شرارت و هر چیزی را که تصورش را می کنیم بوجود بیاورد. این ما هستیم که تمام بیماری های بدن خود را به وجود می آوریم. زمانی که به سر درد فکر می کنیم بعد از چند لحظه این سر درد ما شروع می شود.

سعی کنید برای تمام مشکلات خود به گونه ای دیگر بیندیشید. اگر به طور مثال اعصاب شما خراب است و زیاد عصبی می شوید به جای سیگار کشیدن و تلقین کردن اینکه کشیدن سیگار به شما آرامش می دهد، سعی کنید پیاده روی کنید یا آب بنوشید، یا ورزش کنید یا سوت بزنید. فرقی نمی کند چه باشد فقط این تلقین را از بین ببرید.

این موارد همه ناشی از تفکر شما است. چطور شما به خودتان می گوید که سیگار کشیدن به شما آرامش می دهد اما با تلقین کردن سوت زدن نمی توانید به خودتان آرامش بدهید؟

در روزهای اول شاید یک مقدار سخت باشد اما به مرور زمان ضمیر ناخودآگاه شما این موضوع را درک می کند و به همان چیزی را که شما می خواهید مبدل می شود. البته این نکته حائز اهمیت است که بیان کردن این نوع راه حل ها اگر از طرف اشخاص دیگری باشد تأثیر بیشتری روی ضمیر ناخودآگاه شما خواهد داشت و سریعتر آن را درک خواهید کرد.

اجرای کسب و کار با تغییرات جدید

تغییرات همیشه سخت است. اینکه شما یک کار را به صورت تکراری و روتین مدت زیادی انجام دهید و بخواهید همین را به عنوان یک فرصت در دل موفقیت ها پیدا کنید کار راحتی نیست. در این راه سعی کنید از دوستانی استفاده کنید که طرز تفکرشان نسبت به کار کردن تغییر کرده است و آن را یک مشکل نمی بینند.

به مثالی که در ادامه برای شما ذکر می شود توجه فرمایید:

نحوه ی درست سوال پرسیدن شرکت Red Bull سبب موفقیت وی شد



مدیران این شرکت از کارمندانشان پرسیدند که چطور می توانیم فروشمان را دو برابر کنیم؟ کارمندان هم پیشنهادهای جالبی دادند. آنها گفتند تمام نوشابه های گازدار در یخچال نگه داری می شود. اگر می خواهید بیشتر بفروشید باید در معرض دید مشتری باشید. سعی کنید تمام خرده فروشان و مراکز بزرگ فروشگاهی را پر از نوشابه های گازدار کنید، فقط با این تفاوت که در یخچال نگذارید. دیگر نوشابه ها را در یخچال نگه داری کنید. در این جا مهم نحوه ی سوال پرسیدن است. تغییرات اجرایی در چگونگی سوال پرسیدن می تواند تغییرات شگرفی در کسب و کار شما به وجود بیاورد.

خلاقیت در تولید محتوا

اگر سایتی دارید که به تولید محتوا شدیداً نیازمند است سعی کنید این کار را خودتان انجام دهید و اگر نمی دانید که چطور این کار را انجام دهید مقاله های مختلفی را بررسی کنید و عنوان و تیترها و همچنین متن آنها را از بالا

تا پایین با افکار خودتان تغییر دهید. این کار به خلاقیت شما کمک خواهد کرد. برای دفعات اول کمی سخت است اما به مرور زمان شما به یک نویسنده قابل و کارآزموده تبدیل خواهید شد.

تفکر خلاق خود را از دست ندهید

فردی که نمیتواند بطور سازنده و هم آهنگ و در صلح و صفا بیندیشد و تنبل و کاهل است و فقط سطحی می اندیشد، همیشه درباره شانس و اقبال صحبت می کند.



اینگونه افراد همیشه موفقیت دیگران را شانس و اقبال می دانند و مرتبا زندگی خود را با دیگران این چنین مقایسه می کنند.